

طراحی مدل جریان‌شناسی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران^۱

دکتر مهدی ناظمی اردکانی*
رمضان شعبانی سارویی**

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۶/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۰/۱۵

چکیده

سؤال اصلی تحقیق این است که مدل جامع جریان‌شناسی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران کدام است؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد ادبیات جریان‌شناسی در ایران بشدت فقیر است. اغلب منابع در این باره به سالهای قبل از انقلاب باز می‌گردد و آثار محدودی یافت می‌شود که به طور مستقل به طراحی مدل جریان‌شناسی در ایران پرداخته باشد. برای شناسایی جامع جریانهای فرهنگی در ایران به مدلی نیاز است تا طبق آن جریانها دسته‌بندی، و سپس تبیین و تشریح شود. این مدل باید جامع، مرتبط، منسجم، موجه و مهمتر از همه با رویکرد فرهنگی باشد؛ بدین لحاظ «هویت فرهنگی» به عنوان متغیر اصلی بازشناسی جریانهای فرهنگی و تعیین ویژگیهای متمایز و مشترک آنان انتخاب گردید. با طراحی سه بعد «بینشی، گرایشی، کنشی» هویت فرهنگی، مؤلفه‌های ۹ گانه‌ای برای این سه بعد ترسیم، و بر اساس آن ۳۶ شاخص مربوط به این مؤلفه‌ها مشخص

۱- مقاله حاصل رساله دکتری مهندسی سیستم‌های فرهنگی دانشکده علوم اجتماعی فرهنگی دانشگاه جامع امام حسین (ع) است.

* - استادیار و رئیس گروه مطالعات و اندیشه فرهنگی دانشکده علوم اجتماعی فرهنگی دانشگاه جامع امام حسین (ع)
** - نویسنده مسئول: پژوهشگر و عضو گروه مطالعات و اندیشه فرهنگی دانشکده علوم اجتماعی فرهنگی دانشگاه

جامع امام حسین (ع) Ramzan.shabanni@gmail.com

گردید. روش دستیابی به این هدف در پژوهش، توصیفی تحلیلی، وگردآوری مطالب نیز کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه‌ها: مدل جریان‌شناسی فرهنگی، سیاستگذاری فرهنگی در ج.ا.ا، جریان‌شناسی فرهنگی در ج.ا.ا.

مقدمه

جریان‌شناسی در ایران، که عمدتاً در حوزه سیاست و فرهنگ شکل گرفته، بیشتر ناشی از تأکیدات رهبر معظم انقلاب اسلامی است که بارها از اهمیت شناختن جریانها سخن گفته اند. در بیان ایشان جریان‌شناسی و تحلیل مسائل سیاسی جزو معرفت دینی است. شناخت دوست و دشمن، ترسیم چشم انداز آینده و فهم اصول آنها اهدافی است که از نظر ایشان از طریق جریان‌شناسی محقق می‌شود.

برای شناسایی جریانهای فرهنگی در ایران نیاز است ابتدا مدلی مشخص، و سپس طبق آن جریانهای موجود دسته‌بندی و تبیین و تشریح شود. مدل جریان‌شناسی فرهنگی این امکان را به ما می‌دهد که در هر لحظه بدانیم که کجای این رشته قرار داریم تا از مسیر خود منحرف نشویم؛ به عبارت دیگر در انبوه درختان جنگل جریان‌شناسی فرهنگی گم نشویم؛ هم‌چنین طراحی مدل جریان‌شناسی، توانمندی ما را در شناخت شباهتها و تمایزات جریانهای فرهنگی افزایش می‌دهد و با توصیف، تبیین و برآورد مناسب از جریانهای فرهنگی کشور، چگونگی رویارویی و اتخاذ موضع فعال در عرصه روند و آینده پژوهی و سیاستگذاری آنان فراهم می‌کند.

ضرورت تبیین و فرمول‌بندی نظریه‌های گوناگون به منظور عرضه مدل جریان‌شناسی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران امری اساسی است. فرمول‌بندی و تبیین جریان‌شناسی فرهنگی برای ورود به مفاهیم، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخصها با رویکرد فرهنگی انگیزه و هدف اصلی این مقاله است. عرضه مدل جریان‌شناسی فرهنگی، که در نوع خود بدیع و نوآورانه است، حاصل پژوهشی بنیادی است که در راستای نقد ادبیات غالب جریان‌شناسی و عرضه الگوی نوینی از جریان‌شناسی فرهنگی در چارچوب هویتی انجام شده است.

طرح مسئله

جریان‌شناسی فرهنگی در زمینه‌های مختلف فردی و اجتماعی کاربردهای فراوانی دارد. در عرصه فردی، تشخیص صحیح و به‌هنگام، سبب توانمندی فرد در حوزه تصمیم‌گیری و رفتار و عمل می‌شود. جریان‌شناسی فرهنگی در حوزه اجتماعی همانند دیده‌بان فرهنگی در زمینه‌های مختلف تقنینی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی با رصد و پیش‌بینی جریانهای فرهنگی، مسئولان حکومتی را در رویارویی با مسائل گوناگون کارآمدتر می‌سازد. از این رو نوآوریهای مطالعات جریانهای فرهنگی می‌تواند دستمایه مناسبی در سه حوزه تشخیص، تصمیم، و عمل‌نخبگان و کارشناسان و نیز مدیران دستگاه‌های فرهنگی اجتماعی کشور گردد.

عدم مطالعات نظام‌مند جریان‌شناسی، پیامدهای جبران‌ناپذیری را در عرصه فردی و حکومتی بر نظام جمهوری اسلامی تحمیل کرده است. یکی از دلایل شکل‌گیری فتنه‌هایی همانند فتنه ۱۸ تیر ۱۳۷۸ و فتنه جریان سبز ۱۳۸۸، عدم رصد، تبیین، برآورد، تخمین و چگونگی رویارویی صحیح با جریانهای فرهنگی کشور بود که علاوه بر پیامدهای فکری فرهنگی دارای پیامدهای سیاسی امنیتی نیز بوده است.

به نظر می‌رسد که «شیوه زیست» جریانهای فرهنگی به‌دلیل تأثیرات روزافزون نفوذ جریانهای فرهنگی مدرن با چالشهای فراوانی روبه‌رو شده است. از سوی دیگر نگاه‌ها و رویکردهای جریانهای فرهنگی، اثر وضعی خود را بر گفتمان دولتها و جریانهای اجتماعی ایران و در نتیجه اولویت‌گذاری سیاستها و برنامه‌های دستگاه‌های کشور برجای گذاشته است. اهمیت این مسئله زمانی دو چندان می‌شود که در دوره بعد از بنیانگذار، انقلاب اسلامی با فراز و نشیب‌هایی روبه‌رو، و در نتیجه مواضع و دیدگاه‌های جریانهای فرهنگی کشور شفافتر و با ثبات‌تر شده است. این وضعیت برای نسلی که از رویش جریانهای فرهنگی اطلاع کافی ندارد و در صدد پاسداری از انقلاب و نظام اسلامی است، ابهامات و چالشهایی را ایجاد می‌کند که ضعف تبیین جریانهای فرهنگی و کاستی مدل‌سازیهای رایج اندیشمندان جریان‌شناس فرهنگی، سردرگمی‌هایی را در عرصه فرهنگی کشور برای نسل جوان و چه بسا برخی کارشناسان و مدیران فرهنگی کشور ایجاد نموده است.

دغدغه نقش، کارکرد و تأثیرگذاری جریانهای فرهنگی در جامعه، و عدم آگاهی مناسب از

مبانی آنها؛ نبودن شناخت جامع شکل گیری و تحول این جریانها و نیز ضعف در تبیین و مدل‌سازیه‌های رایج جریان‌شناسی و عدم پاسخگویی آنها از مسائل مهمی است که دارد؛ به واکاوی لذا این پژوهش ضمن بررسی جریانهای فرهنگی ایران در صدد طراحی مدل مناسبی است که بتواند به جریان‌شناسی فرهنگی پس از انقلاب اسلامی پاسخ دهد.

در بررسی آثار موجود، بیست اثر در حوزه جریان‌شناسی از سوی پژوهشگران در ایران عرضه شده است. مرور این پژوهشها نشان می‌دهد دو دسته آثار مطرح است: دسته‌ای بر مطالعات علمی پژوهشی مبتنی، و دسته دیگر مطالعات مروری است که هر دسته ابعاد مثبتی دارد و در روشن کردن جنبه‌هایی از جریان‌شناسی در ایران به ما کمک می‌کند.

سؤال اصلی تحقیق

۱- مدل جامع جریان‌شناسی فرهنگی پس از پیروزی انقلاب اسلامی کدام است؟

سؤالات فرعی تحقیق

- ۱- مهمترین مدل‌های جریان‌شناسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی کدام است؟
- ۲- مدل‌های جریان‌شناسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی با چه نقدهایی روبه‌روست؟
- ۳- مدل جامع جریان‌شناسی فرهنگی پس از انقلاب تابع چه متغیرها، مؤلفه‌ها و شاخصه‌هایی است؟

روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و توسعه‌ای است. از نظر طرح تحقیق آینده‌نگر است که با توجه به طراحی مدل اکتشافی است. این پژوهش با رهیافتی توصیفی - تحلیلی از روش کتابخانه‌ای و اسنادی بهره می‌برد. مقطع زمانی آن از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۹۲ یعنی دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی را شامل می‌شود. قلمرو جغرافیایی تحقیق شامل کشور ایران پس از انقلاب اسلامی است؛ هم‌چنین از نظر قلمرو موضوعی شامل فرهنگ، جریان، جریان‌شناسی فرهنگی و مدل‌سازی است.

چارچوب نظری

۱. تعریف مفاهیم

جریان‌شناسی از دو لفظ جریان و شناسی ترکیب یافته است. مفهوم جریان برای بررسی سیر پیوسته یک پدیده در مطالعات علوم اجتماعی کاربرد دارد؛ هم‌چنین واژه «شناسی»^۱ را هم می‌توان مترادف «لوجی» دانست. پسوندی است به معنای مطالعه یا علم. در فرهنگ‌های دوزبانه انگلیسی - فارسی، واژه جریان را در برابر این واژه‌ها نهاده‌اند:

جدول ۱. کاربردهای واژه جریان در اصطلاحات انگلیسی، غمامی، ۱۳۹۱

Economic flows / movements	جریانه‌های اقتصادی
Cultural trends	جریانه‌های فرهنگی
Social movements/ currents	جریانه‌های اجتماعی
Feminist movements/ Feminist currents	جریانه‌های فمینیستی
Philosophical currents	جریانه‌های فلسفی
Islamic currents/movements	جریانه‌های اسلامی
Communist movements	جریانه‌های کمونیستی
Socialist currents	جریانه‌های سوسیالیستی
Revolutionary currents	جریانه‌های انقلابی
News flows	جریانه‌های خبری
Counter flow	ضد جریان

چنانکه اشاره شد، «فرانکلین لوفان بومر نیز در کتاب خود به بررسی جریانهای فکری تاریخ اندیشه غرب پرداخته و از اصطلاح Current استفاده کرده است. به نظر می‌آید این واژه و واژه movement نزدیکترین مفاهیم به جریان در جریان‌شناسی مورد نظر ما است. Current گاهی نقش صفت را دارد و گاهی نقش اسم. هنگامی که به عنوان صفت به کار می‌رود به معنای جاری و کنونی است و زمانی که به عنوان اسم استفاده می‌شود به معنای جریان بسیار نزدیک می‌شود. current و movement شباهتهای زیادی دارد و در بسیاری از مواقع به جای یکدیگر استفاده می‌شود با این تفاوت که اصطلاح اول بیشتر برای اندیشه استفاده می‌شود و واژه دوم در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی کاربرد دارد» (غمامی، ۱۳۹۱، ۲-۸).

«خسروپناه در کتاب خویش با عنوان جریان‌شناسی فکری ایران معاصر از اصطلاح Typology استفاده کرده است اما دارایی و شعبانی در کتاب جریان‌شناسی سیاسی فرهنگی ایران،

1- Logy

از همان واژه Current استفاده کرده‌اند. شاید معنی مدنظر ما را از جریان (در مفهوم جریان‌شناسی) بتوان مترادف با current در زبان لاتین در نظر گرفت اما هنگامی که پسوند‌شناسی را معادل logy به آن اضافه کنیم با مفهوم currentology در علم فیزیک روبه‌رو خواهیم بود. همین اتفاق در خصوص دیگر مترادفهای جریان هست به گونه‌ای که از حوزه علوم انسانی و اجتماعی خارج می‌شود و یا واژه‌ای غریب و کم کاربرد خواهد شد. این توضیحات بدان معناست که با ترجمه واژه به واژه نمی‌توان مفاهیم متناظر با جریان‌شناسی را در دیگر حوزه‌های فکری مورد بررسی قرار داد بلکه باید به جای لفظ به معنای جریان‌شناسی و پایه‌های معرفتی آن متوسل شویم» (غمامی، ۱۳۹۱، ۲-۸)؛ با این توصیف برای جریان‌شناسی معادل انگلیسی پیدا نشده است و باید اذعان کرد جریان‌شناسی، اصطلاحی ایرانی است که برای اولین بار در ایران جعل شده است. مهمترین واژگانی که به تعریف عملیاتی نیاز دارد شامل جریان، جریان‌شناسی، جریان‌شناسی فرهنگی، مدل، هویت فرهنگی است که در جدول (۲) بدان اشاره شده است:

۲. گونه‌شناسی مدل‌های موجود جریان‌شناسی فرهنگی در ایران

با بررسی پیشینه تحقیق، بیست اثر تولید شده در عرصه جریان‌شناسی پس از انقلاب را می‌توان در هشت دسته طبقه‌بندی کرد که در هر دسته به مهمترین آنان اشاره می‌شود: آثار تولید شده در عرصه جریان‌شناسی فرهنگی (۲ مورد)، جریان‌شناسی سیاسی فرهنگی (۴ مورد)، جریان‌شناسی فکری فرهنگی (۴ مورد)، جریان‌شناسی فکری (۴ مورد)، جریان‌شناسی سیاسی (۴ مورد)، جریان‌شناسی اقتصادی (۱ مورد)؛ عمومی جریان‌شناسی (۱ مورد) و جریان‌شناسی اجتماعی (هیچ مورد) است. تمایز این جریان‌شناسی‌ها، تمرکز بر حوزه‌ای خاص است.

در عرصه جریان‌شناسی فرهنگی در ایران، آثار کمی یافت می‌شود که مستقیماً به این حوزه پرداخته باشد؛ لذا به دلیل کمبود منابع در این حوزه در ذیل به شناسایی گونه‌ها و مدل‌های موجود در عرصه‌های مختلف جریان‌شناسی در ایران اشاره می‌شود.

جدول ۲. تعریف عملیاتی، شعبانی

ردیف	نام	تعریف عملیاتی
۱	جریان	۱- سیر پیوسته پدیده فرهنگی اجتماعی ۲- دارای مبانی فکری و رفتاری ویژه ۳- عینیت یافته به صورت تشکل، جمعیت یا گروه اجتماعی ۴- جمعیت مدیریت شده تأثیرگذار بر جامعه
۲	جریان‌شناسی	۱- مطالعه سیر پیوسته یک پدیده فرهنگی اجتماعی ۲- شناخت مبانی فکری و رفتار اجتماعی ۳- علم به تشکل، جمعیت یا گروه اجتماعی منسجم ۴- بررسی جمعیت مدیریت شده تأثیرگذار بر جامعه
۳	جریان‌شناسی فرهنگی	۱- مطالعه سیر پیوسته تشکل، جمعیت یا گروه‌های فرهنگی منسجم ۲- فهم جمعیت فرهنگی مدیریت شده تأثیرگذار بر جامعه ۳- شناخت مبانی فکری و رفتار فرهنگی گروه‌های مدیریت شده تأثیرگذار بر جامعه
۴	مدل	۱- لولایی که طرح نظری مسئله تحقیق را با مشاهده و تحلیل اطلاعات به یکدیگر متصل می‌کند ۲- مدل انتزاعی تر از الگو بوده است؛ ابتدا شکل می‌گیرد و سپس و بر اساس آن الگو بازسازی می‌شود. ۳- مدل نشاندهنده کلیت هر سیستم است ۴- مدل از مفاهیم و فرضیه‌هایی تشکیل شده است که با هم ارتباط تنگاتنگی دارند و مجموعاً چارچوب تحلیلی منسجمی را تشکیل می‌دهند.
۵	هویت فرهنگی	۱- عامل علاقه‌مندی به دین، سرزمین ملی، فرهنگ و ارزشهای ملی ۲- علت حمایت از جامعه و کشور در برابر تهدیدات و خطرهای فرهنگی ۳- عنصر مشارکت فعال و داوطلبانه در کنشهای فرهنگی ۴- سبب احساس مسئولیت و تعهد در برابر فرهنگ جامعه

۱-۲. شناسایی گونه‌های جریان‌شناسی در ایران

جدول ۳. وضعیت مطالعات و پژوهشها در باب جریان‌شناسی در ایران، شعبانی

ردیف	عنوان اثر	نویسنده و محقق	گونه‌های جریان‌شناسی	نقطه تمرکز زمانی و مکانی	سال انتشار
۱	جریان‌شناسی فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی	زیر نظر مصطفی میر سلیم	جریان‌شناسی فرهنگی	۱۳۵۷-۱۳۸۰	۱۳۸۶
۲	جریانها و سازمانهای مذهبی سیاسی ایران	رسول جعفریان	جریان‌شناسی سیاسی فرهنگی	۱۳۲۰ - ۱۳۵۷	۱۳۸۴
۳	جریان‌شناسی سیاسی فرهنگی ایران	رمضان شعبانی	جریانهای سیاسی فرهنگی	ایران معاصر	۱۳۹۰
۴	مصاحبه	سید محمد ایازی	جریانهای سیاسی فرهنگی	انقلاب اسلامی ایران	۱۳۷۸
۵	اطلاعیه سازمان	سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی	جریانهای سیاسی فرهنگی ایران	بعد از انقلاب اسلامی	۱۳۸۵
۶	جریان‌شناسی سیاسی در ایران	علی دارابی	جریان‌شناسی سیاسی	۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷	۱۳۸۸
۷	یقه سفیدها؛ جامعه‌شناسی نهادهای مدنی در ایران امروز	محمد قوجانی	بررسی تطبیقی مدل‌های جریان‌شناسی سیاسی در ایران	بعد از انقلاب اسلامی	۱۳۷۹
۸	درآمدی بر جریان‌شناسی اندیشه دینی در ایران معاصر	محمد تقی سیحانی	جریان‌شناسی فکری	ایران معاصر	۱۳۷۵
۹	جریان‌شناسی فکری در مهندسی تمدن اسلامی	مصطفی جمالی	جریان‌شناسی فکری فرهنگی	عمومی	۱۳۸۷
۱۰	جریان‌شناسی فکری ایران معاصر، الف	عبدالحسین خسروپناه	جریان‌شناسی فکری	ایران معاصر	۱۳۸۹
۱۱	جریان‌شناسی ضد فرهنگها، ب	عبدالحسین خسروپناه	جریان‌شناسی فرهنگی	ایران معاصر	۱۳۸۹

جدول ۳. وضعیت مطالعات و پژوهشها در باب جریان‌شناسی در ایران، شعبانی

ردیف	عنوان اثر	نویسنده و محقق	گونه‌های جریان‌شناسی	نقطه تمرکز زمانی و مکانی	سال انتشار
۱۲	درسهای ابوالفضل شکوری	علی اکبر حجاری طاهری	جریان‌شناسی فرهنگی	ایران معاصر	۱۳۹۰
۱۳	جریان‌شناسی فکری معاصر ایران	آیت مظفری	جریان‌شناسی فکری سیاسی	ایران معاصر	۱۳۸۵
۱۴	جریانهای فکری و فرهنگی	سید عباس صالحی	جریانهای فکری فرهنگی	بعد از انقلاب اسلامی	
۱۵	جریان‌شناسی سیاسی	معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه	جریان‌شناسی سیاسی	ایران معاصر	۱۳۸۹
۱۷	نگاهی به بایسته‌های نگاه جریان‌شناسانه، روش‌شناسی جریان‌شناسی	سید محمد علی غمامی	جریان‌شناسی فکری	بعد از انقلاب اسلامی	۱۳۹۱
۱۸	شناخت جریانهای فعال اقتصادی در ایران	علی اصغر قائمی نیا و سید سعید موسوی ثمرین	جریان‌شناسی اقتصادی	بعد از انقلاب اسلامی	۱۳۹۰
۱۹	از شاهد قدسی تا شاهد بازاری	سعید حجاریان	جریان‌شناسی روشنفکری	ایران معاصر	۱۳۸۰

۲-۲. گونه‌شناسی مدل‌های جریان‌شناسی در ایران

گونه‌شناسی مدل‌های جریان‌شناسی در ایران به شرح ذیل است:

جدول ۴. گونه‌شناسی مدل‌های جریان‌شناسی در ایران، شعبانی

ردیف	محقق	نوع مدل	رویکرد مدل	مؤلفه‌های مدل	سال انتشار
۱	مصطفی میرسلیم	تک عاملی	فرهنگی سیاسی	ایدئولوژی	۱۳۸۶
۲	آیت مظفری	تک عاملی	فکری سیاسی	ایدئولوژی	۱۳۸۵
۳	محمد قوچانی	تک عاملی	فکری فرهنگی	جامعه‌شناسی تفکر	۱۳۸۴
۴	محمد قوچانی	تک عاملی	فکری فرهنگی	جامعه‌شناسی مذهب	۱۳۸۴
۵	محمد قوچانی	تک عاملی	فکری فرهنگی	قانون اساسی	۱۳۸۴
۶	علی دارابی	تک عاملی	سیاسی	منظر ایدئولوژی	۱۳۸۸
۷	رمضان شعبانی	تک عاملی	سیاسی	نظام سیاسی	۱۳۸۹
۸	عبدالحسین خسروپناه، الف	چند عاملی	فکری	دغدغه مدرنیته و رابطه آن با شرق و دین و علل عقب ماندگی جهان اسلام	۱۳۸۸
۹	صادق کوشکی	تک عاملی	سیاسی	تمدنی	۱۳۹۱
۱۰	حسین عبداللهی فر	تک عاملی	سیاسی	نظام سیاسی	۱۳۹۱
۱۱	رمضان شعبانی سارویی	چند عاملی	سیاسی فرهنگی	دین، سنت و مدرنیته	۱۳۹۰
۱۲	علی اصغر قائمی نیا و سید سعید موسوی ثمرین	چند عاملی	اقتصادی	مبانی شناختی، تحلیلی و توصیه‌های سیاستی	۱۳۹۰
۱۳	عبدالوهاب فراتی	تک عاملی	فکری سیاسی	مدرنیته و تجدد	۱۳۸۹
۱۴	عبدالحسین خسروپناه، ب	تک عاملی	فرهنگی	دشمنی و رویکرد ستیزه جوایانه با اسلام و هویت انسانی	۱۳۸۹
۱۵	جمعی از نویسندگان	چند عاملی	سیاسی	معیار تاریخی، ایدئولوژی	۱۳۸۹
۱۶	سعید حجازیان	چند عاملی	فکری فرهنگی	گونه‌شناسی طولی و عرضی	۱۳۸۰

منظور از «نوع مدل» تعیین و دسته‌بندی مدل به تک عاملی و یا چند عاملی بودن مدل است. در «رویکرد مدل» توجه به تعیین آن در رویکردهای فکری، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، فکری فرهنگی، فکری سیاسی، و یا سیاسی فرهنگی است؛ هم‌چنین مراد از «مؤلفه‌های مدل» عنصر و یا عناصر تشکیل دهنده آن است.

در جمع‌بندی مدل‌های طراحی شده (مدلی که هر اثر بر اساس آن جریان‌شناسی صورت داده است) توجه به چند نکته ضروری است:

نکته اول: مدل‌های طراحی شده توسط پژوهشگران جریان‌شناسی یا به شکل شفاف ترسیم شده که عیناً آورده شده است؛ همانند مدل‌سازی حجاریان که ایشان بر اساس گونه‌شناسی طولی و عرضی ترسیم کرده، و یا برداشت محقق از متون جریان‌شناسی است که ترسیم مدل جریان‌شناسی ایران معاصر از اثر آیت مظفری است.

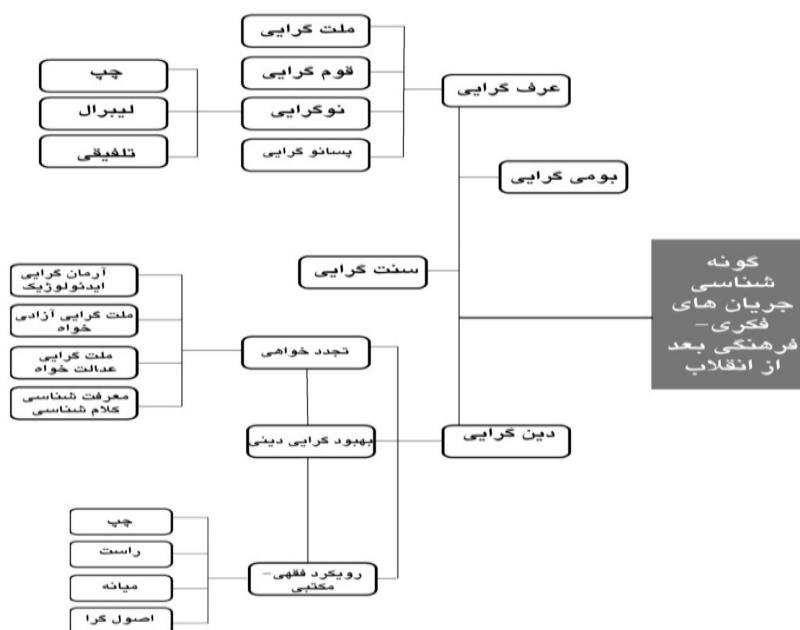
نکته دوم: در مدل‌سازیهایی موجود جریان‌شناسی فرهنگی در ایران، اغلب پژوهشگران به الگوهای تک متغیره بسنده کرده‌اند. این دسته‌بندی که روش متداول، جاری و ساده‌ترین شیوه است اگرچه به شناخت ابتدایی جریان‌شناسی فرهنگی کمک شایانی می‌نماید به دلیل اینکه مقوله فرهنگ، پیچیده است و با حوزه‌های مختلف در جامعه تعامل دارد؛ هم‌چنین یک مؤلفه هر چند در شناخت وجهی از وجوه گوناگون مسائل جریان‌شناسی فرهنگی کمک می‌کند، اما نمی‌تواند تمام وجوه، ابعاد و گستره جریان‌های فرهنگی را ترسیم کند؛ بنابراین مدل چند وجهی، در طراحی مدل جریان‌شناسی فرهنگی کشور کامل‌تر و مطلوب‌تر است.

۲-۳. دسته‌بندی مدل‌های موجود در جریان‌شناسی فرهنگی

بر اساس بررسی پیشینه تحقیق با وجود منابع بسیار کم درباره جریان‌شناسی فرهنگی در ایران، فقط آثار انگشت‌شماری هست که به مدل‌سازی و طبقه‌بندی جریان‌های فرهنگی پرداخته باشد. از سوی دیگر به دلیل نبودن منابع در حوزه جریان‌شناسی فرهنگی بناچار باید این بحث را در دیگر حوزه‌های جریان‌شناسی نیز بررسی کرد؛ از جمله برخی از نویسندگان به مدل‌سازی جریان‌های سیاسی اقدام کرده‌اند که به دلیل اختلاط و برخی قرابتها در جمهوری اسلامی بین جریان‌های سیاسی و جریان‌های فرهنگی، می‌توان با بهره‌گیری از برخی از مدل‌های طراحی شده به

مدل‌سازیهای رایج (موجود) جریان‌شناسی فرهنگی ایران پی برد. در بررسیهای از مجموعه آثار موجود در عرصه جریان‌شناسی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بر اساس نوع وحدت یا فراوانی بهره‌گیری پژوهشگر از یک یا چند متغیر و مؤلفه خاص به منظور مدل‌سازی جریانهای فرهنگی، می‌توان مدل‌سازی آنها را به دو دسته اساسی طبقه‌بندی کرد که عبارت است از:

الف) مدل‌های تک عاملی: منظور از مدل‌های تک عاملی این است که پژوهشگر از یک متغیر و مؤلفه خاص برای مدل‌سازی جریانهای فرهنگی بهره گرفته است؛ به طور مثال مدل‌سازی و صورت‌بندی جریانها بر مبنای چگونگی تعامل آنان با تفکر حاکم به چهار جریان موافق، خنثی و بی‌اعتنا، مخالف و معارض و جریان محارب دسته‌بندی شده است، که این شیوه مدل‌سازی، نقص اساسی آن جریان‌شناسی را تنها به دوران حضور تفکر حاکم محدود می‌داند.



شکل ۱. مدل‌سازی جریانهای ایران بر اساس الگوی تک عاملی، میرسلیم، ۱۳۸۴

دسته‌بندی چند عامله یا چند مؤلفه در جریان‌شناسی کاملاً پذیرفته شده است که برخی بیشتر متمایل به صورت و ظاهر، (توجه به تقابل سنت و مدرنیته) و برخی بیشتر به مؤلفه‌های محتوا و مبنای آنها (برای نمونه عقلانیت اسلامی) پرداخته‌اند (غمامی، ۱۳۹۱، ۴).

۲-۴. نقد مدل‌های جریان‌شناسی در ایران

به لحاظ مدون نبودن برخی از مدل‌های موجود جریان‌شناسی در یک اثر علمی و پژوهشی، در این بخش صرفاً به نقد چند اثر پرداخته می‌شود که از سوی برخی نویسندگان عرضه شده که دیدگاه‌های آنان در یک اثر علمی مدون گردیده است.

جدول ۵. نقاط ضعف و قوت مدل‌های جریان‌شناسی در ایران، شعبانی

ردیف	پژوهشگر	نقاط قوت	نقاط ضعف
۱	زیر نظر مصطفی میرسلیم (جریان‌شناسی فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی ایران)	۱- اولین کتاب جریان‌شناسی فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی است. ۲- دارای طرح مسئله و گونه‌شناسی و مدل شفاف جریان‌های فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی است. ۳- جریانات را در حالت کلی به دو رویکرد متفاوت عرف‌گرایی و دین‌گرایی تقسیم کرده که هر کدام به رویکردهای فرعی‌تری نیز منشعب شده است. ۴- علاوه بر طراحی مدل، به بررسی عینی جریان‌های فرهنگی ایران پرداخته است. ۵- جریان‌های فرهنگی جامعه در چهار دوره زمانی مختلف پس از انقلاب مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.	۱- مقسم به روشنی مشخص نیست که چه چیزی و از چه جهاتی به دسته‌های چهارگانه تقسیم شده است. ۲- نبودن اولویت‌بندی و رتبه‌بندی سهم جریان‌های فرهنگی پس از انقلاب اسلامی. ۳- رویکرد نویسندگان از پایگاه جریان‌های سیاسی بوده است. ۴- به دلیل مجمل بودن تقسیم‌ها، مشاهدات کم دسته‌بندی شده است. ۵- به لحاظ روشی، نویسندگان مفاهیم کلیدی تحقیق خود را تعریف نکرده‌اند؛ همانند جریان‌شناسی. ۶- نویسندگان بدون اینکه خود پرسش یا پرسش‌هایی داشته باشند، وارد تحقیق شده‌اند.
۲	آیت مظفری (جریان‌شناسی سیاسی ایران معاصر)	۱- تعریف مفاهیمی مانند جریان و مترادفات آن ۲- گونه‌شناسی جریان‌ها بر اساس ۱۴ ملاک کلی ۳- گونه‌شناسی جریان‌های فکری ایران معاصر در شش دسته ۴- اجرای مدل و بررسی تمام جریان‌ها ۵- بررسی هر جریان با تعریف، تاریخچه، مبانی فکری، نهادها، احزاب و گروه‌ها در مقاطع مختلف	۱- عدم تعیین روش‌شناسی محقق ۲- مشخص نبودن روش در دسته‌بندی جریان‌ها ۳- قرار دادن جریان روشن فکری در طول دیگر جریانات ۴- عدم تعیین پرسش یا پرسش‌هایی و وارد شدن در تحقیق ۵- تقسیم جریان‌ها بر اساس ملاک تک عاملی ایدئولوژی

جدول ۵. نقاط ضعف و قوت مدل‌های جریان‌شناسی در ایران، شعبانی

ردیف	پژوهشگر	نقاط قوت	نقاط ضعف
۳	محمد قوچانی (پقه سفیدها جامعه‌شناسی نهادهای مدنی در ایران امروز)	۱- تعیین رویکرد بر اساس رویکرد جامعه‌شناسی مذهب و تعریف آن ۲- تعیین مؤلفه‌های متعدد از جمله رده‌بندی جریانها بر مبنای نقش اجتماعی مذهب ۳- تعیین مصادیق، تشکلهای و چهره‌هایی از هر جریان ۴- تعیین طیفهای وابسته به جریان مذهبی ۵- مفهوم‌شناسی جریان‌شناسی و طراحی مدل‌های گوناگون	۱- عدم بررسی اصول و مبانی فکری جریانها ۲- شامل نشدن دسته‌بندی نسبت به همه جریانها و غفلت از جریانهای شبه اسلامی در مدل‌سازی ۳- عدم تعیین طیفهای وابسته به همه جریانها از جمله جریانهای غیر مذهبی و ضد مذهبی ۴- اشاره به آسیبهای هر جریان
۴	عبدالحسین خسروپناه (جریان‌شناسی فکری ایران معاصر)	۱- بهره‌گیری از رویکرد جامعه‌شناختی و روش تحلیل استقرایی ۲- دسته‌بندی جریانهای فکری بر اساس مؤلفه‌های دغدغه‌مدرنیته یا غرب؛ دین و رابطه آن با شرق و نیز علل عقب ماندگی جهان اسلام ۳- بررسی مهمترین جریانهای فکری معاصر ایران و تبیین و تحلیل مبسوط جریان عقلائیت اسلامی، جریان سنتی، جریان مکتب تفکیک، جریان تجدد ستیزی سنتی فلسفی، جریان فرهنگستان علوم اسلامی، جریان سنت‌گرایی، جریان روشنفکری ۴- تعیین روش‌شناسی، حاصل تلاقی مؤلفه‌های جریان‌شناسی در ارزشهای عقلائیت اسلامی ۵- تعیین اصول و مبانی فکری، رهبران و چهره‌ها و آسیبهای برخی جریانها	۱- عدم تعیین طیفهای برخی جریانات از جمله جریان عقلائیت اسلامی ۲- عدم توازن در بررسی آسیب‌شناسی جریانات ۳- توازن نداشتن در بررسی هر جریان (از جمله جریان عقلائیت و روشنفکری) ۴- معرفی شخصیتها و چهره‌های برخی جریانات به طور مبسوط و عدم اشاره به برخی دیگر مانند جریان عقلائیت ۵- عدم معرفی چهره‌های برخی جریانها در دوران معاصر با توجه به عنوان کتاب (جریان‌شناسی فکری ایران معاصر)
۵	رمضان شعبانی سارویی (جریان‌شناسی سیاسی فرهنگی ایران)	۱- تدوین متن بر اساس الگوی آموزشی و علمی با طرح مفهوم شناسی، اصل بحث و نتیجه‌گیری از جریان‌شناسی ۲- مدل‌سازی جریانهای ایران ۳- پیاده کردن مدل طراحی شده ۴- جریان‌شناسی قبل و بعد از انقلاب ۵- معرفی مهمترین جریانهای سیاسی فرهنگی قبل و بعد از انقلاب با معیارهای اصول و مبانی، طیفها و تشکلهای و چهره‌های مهم آنها	۱- عدم تناسب حجمی بین جریان مذهبی با دیگر جریانها ۲- نپرداختن به طیفهای دیگر جریانها همانند جریان مذهبی ۳- نپرداختن به همه جریانهای سیاسی فرهنگی فعال در ایران ۴- غلبه پرداختن به جریان‌شناسی با رویکرد سیاسی همانند پرداخت طولانی جریان فتنه ۵- وجود اغلاط ادبی قابل توجه و عدم ویراستاری کامل کتاب

۳. تعیین مدل جامع جریان‌شناسی فرهنگی در ایران

در این پژوهش در طراحی مدل جریان‌شناسی فرهنگی، «هویت فرهنگی» به عنوان متغیر اصلی مدل در پایه نظری پژوهش تعیین شد. برای تحقق مدل، سه مفهوم «بینشی، گرایشی، و کنشی» به عنوان سه بعد اصلی «هویت فرهنگی» قرار گرفته است. در ترسیم مؤلفه‌های ابعاد سه‌گانه «بینشی، گرایشی، و کنشی» هویت فرهنگی، نه مؤلفه شامل هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی به عنوان مؤلفه‌های بینشی و شریعت و معنویت؛ اسلامیت و ایرانیت؛ مدرنیته و سنت به عنوان مؤلفه‌های گرایشی و تهاجم فرهنگی؛ غیریت‌سازی؛ نظام جمهوری اسلامی به عنوان مؤلفه‌های کنشی مشخص شد. شاخصهای چهارگانه برای هر یک از مؤلفه‌های نه‌گانه در مجموع ۳۶ شاخص پدیدار کرد که بر اساس تجربیات عملی، جمع‌بندی از تحقیقات و نظر پژوهشگران مرتبط جمع‌آوری شد و همه اجزای مدل با ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخصها در یک مجموعه نظام‌مند به عنوان حلقه‌های تشکیل‌دهنده، درهم تنیده و به هم پیوسته قرار گرفت که در ادامه به توصیف مدل اشاره می‌شود:

۳-۱. تعیین متغیر اصلی مدل جریان‌شناسی فرهنگی در ایران

«هویت» به عنوان پدیده‌ای که دامنه آن از خصوصی‌ترین تجلیات فردی تا عمومی‌ترین حوزه‌های اجتماعی را در بر می‌گیرد، حاصل دیالکتیک خود و دیگری است که در میان طیفی از شبکه‌های معنایی ذهن و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در حرکتی رفت و برگشتی قرار می‌گیرد و بر این مبنای نسبتی میان دو سر طیف دست می‌یابد؛ نسبتی که ثابت نیست و هر آن ممکن است تغییر کند؛ تغییری که نه تنها از خود (شبکه معنایی) بلکه از دیگری (ساختار اجتماعی) نیز ناشی می‌شود. پیوند میان فرهنگ و هویت نیز تحت تأثیر همین رابطه دیالکتیکی است تا آنجا که اغلب صاحب‌نظران برای فرهنگ به دلیل نقش ممتاز آن در نسبت میان خود و دیگری، شأن مستقلی در هویت قائل می‌شوند و هویت را پدیده‌ای فرهنگی قلمداد می‌کنند؛ بدین معنا هویت فرهنگی در مقایسه با دیگر سطوح هویت، اهمیت فزاینده‌ای می‌یابد (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹، ۱۵۸).

پیوند میان هویت و فرهنگ چنان عمیق است که اغلب، هویت را پدیده‌ای فرهنگی می‌دانند

و برای فرهنگ، شأن مستقلی در هویت قائل هستند. از این رو در ترکیب «هویت فرهنگی»^۱ باید به مقوله پیچیده فرهنگ توجه بیشتری کرد. در یک تعریف کاربردی می‌توان گفت جوهره اصلی فرهنگ همان نشانه‌ها، اندیشه‌ها و روابط منطقی و گفتمانی است که به طور تحلیلی در دوازده حوزه تقسیم می‌شود: تمثال، شخص، نماد، باور، ارزش، تکلیف، فن، نفع معرفتی، کنش ارزشی، کنشگر، رابطه منطقی، رابطه گفتمانی (چلبی، ۱۳۷۵، ۵۸). با این رویکرد، اشتراکات فرهنگی، عناصر و اجزای مشترک بین جوامع است و هویت فرهنگی بخشی از ویژگی جامعه است که آن را از سایر جوامع متمایز می‌سازد. در دیدگاه انسان‌شناسان، هویت فرهنگی از مؤلفه‌هایی چون ملت، قلمرو جغرافیای سیاسی، زبان و دین تشکیل شده است (روح الامینی، ۱۳۷۹، ۲۸ و ۱۱۰). آنتادیوپ انسان‌شناس سنگالی بر این باور است که هویت فرهنگی هر جامعه به سه عامل تاریخی، زبانی و روانشناختی بستگی دارد که با از بین رفتن هر کدام از آنها، هویت فرهنگی ناقص می‌شود (آنتادیوپ، ۱۳۶۱، ۵). پر واضح است که از این دیدگاه، هویت فرهنگی با مفهومی وسیع مد نظر قرار می‌گیرد اما از سوی دیگر کنفرانس جهانی در باره سیاست‌های فرهنگی که در سال ۱۹۸۲ در مکزیکوسیتی توسط یونسکو برگزار شد، هویت فرهنگی را هسته مرکزی شخصیت فردی و جمعی قلمداد می‌کند که جامعه را در دستیابی به توسعه توانا می‌سازد؛ در عین اینکه ویژگی‌های خویش را نیز حفظ می‌کند (سلیمی، ۱۳۷۹، ۳۰) «هویت فرهنگی» به دلیل برخورداری از ویژگی‌های لازم در طراحی مدل جریان‌شناسی فرهنگی به عنوان متغیر اصلی و ملاک وحدت در کثرت منظور شده است.

ارکان هویت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران

هویت فرهنگی ایرانی در چهار رکن قابل شناسایی و دسته‌بندی است:

الف) اسلامیت: اسلام در لغت به معنای سرسپاری، پیروی، تسلیم است. در معنای اصطلاحی آیین اسلام دو رکن اساسی دارد: ۱- اعتقادات ۲- برنامه عملی و احکام و تکالیف که شامل اخلاق و فقه می‌شود (سبحانی‌نیا، ۲۳-۲۶).

در تعریفی دیگر، اسلام مجموعه معارفی به هم پیوسته از باورها و اندیشه‌های برگرفته از وحی الهی در رابطه با جهان، انسان، جامعه و جهان پس از مرگ است که توسط آخرین پیامبر الهی

1- cultural identity

حضرت محمد(ص) برای هدایت، اداره زندگی بشر و تأمین سعادت دنیا و آخرت به ارمغان آورده شده و توسط اهل بیت (ع) تعمیق یافته است. بنابر این اسلام، توجه به مذهب و شریعتی است که امروزه به عنوان راهنمای عمل اجتماعی است و به همه ابعاد و نیازهای انسان نظر دارد.

در طول ۱۴ قرن گذشته تشیع به صورت نشان ملی و هویت فرهنگی ایرانیان درآمد و بخوبی با اندیشه‌های اصیل ایرانی و گاه با اسطوره‌های آنها عجین شد. تشیع به رفتار اجتماعی سیاسی ایرانیان نیز جهت داد و همه وجوه زندگی آنها را پر کرد (گلشن پژوه، ۱۳۸۷ و ۳۱۳-۳۱۴). تشیع، تلفیق فرهنگ عالی ایرانی اسلامی، خدا محوری، شهادت، ظلم ستیزی و ایثار، در انتظار منجی، برخورداری از ارزشهای جهانی، از دیگر شاخصهای هویت فرهنگ اسلامی ایرانی است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مهمترین مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در سه عنصر تفکیک ناپذیر «نظام جمهوری اسلامی یعنی نظریه مردم سالاری دینی، فرهنگ شهادت و عدالت، و اصول استقلال و آزادی دانست (هرسیج، ۱۳۹۰، ۱۵۸).

رابطه مذهب و هویت فرهنگی در ایران از مباحث پیچیده و در عین حال متفاوت با سایر ملت‌های جهان است. ایرانی‌ها با استفاده از نیروی مذهب در پنج قرن گذشته حداقل سه انقلاب تمام عیار صفویان صوفی، (۸۸۰ ش)، انقلاب مشروطیت (۱۲۸۵ ش) و انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ ش) را سامان داده اند. در ایران ملازمه بسیار نزدیکی بین جامعه و دین و ارکان آن از دوره یونان باستان به این سو برقرار، و همبستگی و استقلال هویت فرهنگی ایران اغلب در گرو وحدت مذهبی و اتحاد دین و دولت بوده است. اخلاق نیز در جامعه دینی ایران به شکلی تقلیل یافته در دین تصور می‌شود. بنابراین اخلاق و اعتقادات (دین) به عنوان یکی از مهمترین ظرفیتهای هویت فرهنگی ایران می‌تواند مطرح باشد (نظری، ۱۳۹۰، ۳۳).

ب) ایرانیت: ایران سرزمینی است که در طول پنج هزار سال گذشته، اقوام گوناگونی را در خود جای داده است. مؤلفه‌های ایرانیت هویت فرهنگی ایرانیان شامل «زبان (زبان نوشتاری و زبان گفتاری)، جغرافیای فرهنگی، تاریخ و حافظه تاریخی (میراث مادی و میراث معنوی)، نظام اجتماعی (نظام آموزشی، نظام خانواده، نظام اقتصادی، نظام فرهنگی، نظام سیاسی و حقوقی)» (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹، ۱۵۹) است. زبان فارسی به عنوان زبان ملی و نیز تاریخ و آداب و سنت‌های ملی یکی از عوامل هویت بخش فرهنگی ایرانیان بوده است.

در تاریخ افتخار آمیز ایران، همواره هویت فرهنگی مردم از راه زبان و ادب فارسی حفظ شده است. در واقع زبان فارسی چون آسمانی پهناور، تمامی اقوام را در گستره نفوذ خود حفظ کرده است. بخش مهم، معتبر و مفصل شعر و ادبیات فارسی، سروده‌های عارفانه است که ذاتاً انفسی و غیر آفاقی است و انسانی‌ترین ظرفیت هویت بخش فرهنگ ایران است و از همه برجسته تر می‌تواند در فرایند جهانی شدن موجب گسترش و تقویت ظرفیتهای فرهنگی هویت ایران شود (آشنا و روحانی، ۳۸، ۱۳۸۹-۳۹).

علاوه بر زبان و ادبیات فارسی و داستانهای دلاوری، خط، اعیاد و جشنها، آیین‌ها و سنتهای باستانی همانند عید نوروز، اسطوره‌ها، عناصر پایدار و خفیات ملی همانند یکتاپرستی، میهن پرستی، تساهل و مدارا، عبادت و نماز خواندن، هنر ایرانی همچون معماری، کتیبه نویسی، نقاشی و خطاطی، مینیاتور، موسیقی، سفال سازی، و فرش بافی، هم چنین علوم ایرانی اسلامی از دیگر شاخصهای هویت ساز فرهنگ ایرانی بوده است.

ج) مدرنیته: واژه مدرن^۱ به معنای امروزی و جدید است. مدرن در این کاربرد، همراه با نگاهی نو و دگرگون به عالم و آدم است. در فارسی معمولاً واژه «تجدد» را برابر مدرنیته به کار می‌برند. تجددگرایی و نوگرایی نیز معادل مدرنیسم است. آنتونی گیدنز در یک تعریف ابتدایی مدرنیته را این گونه معرفی کرده است: «مدرنیته به شیوه زندگی اجتماعی و تشکیلات و سازمانهای اجتماعی اشاره دارد که از حوالی قرن ۱۷ به این سو در اروپا ظاهر شد و بتدریج دامنه تأثیر و نفوذ آن کم و بیش به سایر نقاط جهان نیز بسط یافت».

بنابراین مدرنیته یعنی «شیوه زندگی جدید و امروزی» با استفاده از تعریف پیتر برگر و در عبارتی مشخصتر می‌توان گفت مدرنیته یا تجدد، «مجموعه اوصاف و خصایص تمدن جدیدی است که در طی چند قرن اخیر در اروپا و آمریکای شمالی سر بر آورده است.» مدرنیزاسیون یا متجددسازی، فعالیت و سیاستی است آگاهانه برای نزدیک‌سازی جوامعی که دارای اوصاف و عناصر مدرنیته نیستند به وضع جوامع مدرن (بیات، ۱۳۸۱، ۵۰۷).

در تبیین شاخصهای کیفی مربوط به قدرت ملی می‌توان از منش ملی، روحیه ملی، کیفیت حکومت، جایگاه و نقش جامعه مدنی و کیفیت دیپلماسی نام برد. امروزه ساختار جامعه به گونه‌ای

1- modern

است که ایران هم اکنون دارای دو جامعه سنتی و مدرن است. جامعه سنتی دارای قدرت تاریخی است و مؤسسات خیریه نماد این جامعه هستند و جامعه مدنی مدرن که مقوله جدیدی است و سازمانهای غیر دولتی، اتحادیه‌های تجاری، احزاب و غیره نمادهای این جامعه هستند (گلشن پژوه، ۱۳۸۷، ۳۲۲).

د) خرده فرهنگها: جامعه‌شناسان در یک دسته‌بندی، فرهنگ را به فرهنگ عام، فرهنگ خاص و خرده فرهنگ، دسته‌بندی می‌کنند (نقوی، ۱۳۷۴، ۶۴ و ۶۳). خرده فرهنگ^۱: در درون هر فرهنگ ویژگیها و الگوهای دیده می‌شود که به قشر، گروه و یا دسته‌ای بستگی دارد. در حقیقت، به دستگاہی از ارزشها، سلوکه‌ها، شیوه‌های رفتار و طرزهای زندگی و گروه اجتماعی، که از فرهنگ مسلط جامعه مفروض، متمایز، ولی با آن مرتبط است خرده فرهنگ می‌گویند (ابراکرامی و دیگران، ۳۸۰)؛ بدین ترتیب خرده فرهنگ، همیشه دربردارنده وجود فرهنگی چیره است. از شاخصهای هویت فرهنگ ایرانی وجود خرده فرهنگهای گوناگون اعم از گروه‌های مذهبی اسلامی شیعه و سنی، مسیحی و یهودی و نیز قومیت‌های متنوع و متکثر همانند ترک، بلوچ، عرب، ترکمن، کرد و مانند آنها است.

در این پژوهش هویت فرهنگی با شاخصهای اسلامیت، ایرانیت، مدرنیته و خرده فرهنگها، تعیین شد. در واقع هویت فرهنگی ایرانی متنوع اما دین محور است. «در این رویکرد هویت اسلامی یعنی مرکزیت نظری و عملی نظام و بینش معرفتی اسلام در هویت فرهنگی ایرانیان که بر پایه تحلیلی تاریخی با هسته سخت آن که هویت شیعی است، گره می‌خورد؛ لذا هویت اسلامی و شیعی در هویت فرهنگی ایرانیان دو روی یک سکه قلمداد می‌شود؛ بدین معنا مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مذهب شیعه از پنج قرن گذشته تاکنون حیات و روح ایرانی را در عمیقترین زوایا تحت تأثیر و راهبری خود قرار داده است» (نجفی، ۱۳۸۵، ۳۷).

بنابراین هویت فرهنگی معاصر ایرانیان با در نظر گرفتن رویکردی هارمونیک و بر مبنای توزیع قدرت در منابع هویت ایرانی، اسلامی و غربی باید مورد توجه قرار گیرد؛ لذا در این منابع چند گانه، گرچه ایرانیت طول تاریخی گسترده تری را به خود اختصاص داده، این اسلامیت بویژه تشیع است که در حافظه تاریخی ایرانیان جزء رسوبات فعال، و عملاً به هسته سخت هویت تبدیل

شده است؛ چه اینکه اسلام و بویژه قرائت شیعی آن، جامعه را تا پیش از ورود به دنیای مدرن اداره کرده و نظام و ساختار اجتماعی و فرهنگی را مدیریت کرده است؛ از سوی دیگر معاصر بودن تحت تأثیر موج منبع غربی هویت فرهنگی، جزء لایه سطحی هویت است و به حافظه تاریخی و رسوبات سخت فرهنگی ایرانیان نیبوسته است؛ بنابراین باید گفت هویت فرهنگی تحت تأثیر اسلام و تشیع در میان منابع هویتی دیگر جایگاه ممتازی دارد و باید در حوزه‌های مؤلفه‌های توصیفی و تجویزی، هویت فرهنگی مورد تأکید و توجه قرار گیرد (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹، ۱۶۷). شاخصهای هویت فرهنگی ایرانی در شکل زیر ترسیم شده است:



شکل ۳. شاخصهای هویت فرهنگی ایرانی، شعبانی

برای شناخت جریانهای فرهنگی پس از انقلاب اسلامی، لزوماً باید مدلی طراحی شود که بر پایه آن بتوان ضمن شناسایی و رصد جریانهای فرهنگی پس از انقلاب به توصیف و تبیین آنها اقدام کرد. این مدل باید جامع، مرتبط، منسجم و موجه و سازگار با رویکرد فرهنگی و منطبق با مبانی، اصول و آرمانهای انقلاب اسلامی باشد.

بر این اساس در طراحی مدل جریان‌شناسی فرهنگی در ایران، مفهوم یا متغیر «هویت فرهنگی» به این دلایل انتخاب شد:

- برخورداری از ویژگی رویکرد فرهنگی در تبیین جریانهای فرهنگی
- ملاک هویتی وحدت در کثرت فرهنگی و سازگار با هویت فرهنگی ایرانیان (عنصر خودی در هویت فرهنگی)
- ملاک تمایز بخش و مقسم جریانهای فرهنگی کشور (عنصر غیریت در هویت فرهنگی)
- منطبق و سازگار با مبانی، اصول و آرمانهای انقلاب اسلامی

۲-۳. تعیین ابعاد طراحی مدل

پژوهشگر در این پژوهش با تمرکز بر مفهوم و متغیر اصلی مدل یعنی «هویت فرهنگی»، بر اساس حصر عقلی به تعیین سه بعد اساسی هویت فرهنگی شامل ۱- «بینشی»، ۲- «گرایشی» و ۳- «کنشی» جریانهای فرهنگی اقدام کرده است. بر این اساس، پایه‌های نظری مدل جریان‌شناسی فرهنگی ایران در شکل زیر ترسیم شده است:



شکل ۴. پایه‌های نظری مدل پیشنهادی، شعبانی

۳-۳. تعیین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخصهای طراحی مدل

الف) بعد بینشی: منظور از بعد بینشی، شناسایی مبانی فلسفی جریانهای فرهنگی است. این مبانی پایه و اساس بعد گرایشی و بعد کنشی هر یک از آنهاست. سه مؤلفه مهم در **بعد بینشی** جریانهای فرهنگی عبارت است از:

۱- مبانی هستی‌شناسی: مبانی هستی‌شناسی یا وجود‌شناسی^۱ به مطالعه بودن، هستی یا وجود می‌پردازد. دانش هستی‌شناسی در پی تشخیص و شرح رده‌های بنیادین و ارتباطات آنها در هستی یا عالم بر می‌آید تا بدین وسیله به تعریف موجودات و انواع آنها در آن چارچوب قادر شود؛ از این رو نگاه جریان‌های فرهنگی به هستی در این علم جای می‌گیرد که عمدتاً در نگاه به انسان و عقلانیت او، فرد و جامعه و... خلاصه می‌گردد (قائمی نیا و موسوی ثمرین، ۱۳۹۰، ۸).

۲- مبانی معرفت‌شناسی: معرفت‌شناسی یا شناخت‌شناسی^۲ شاخه‌ای از فلسفه است که به عنوان نظریه چستی معرفت و راه‌های دستیابی به آن تعریف می‌شود. معرفت‌شناسی شناخت‌انواع معرفت انسانی، مبادی، ابزار و ملاک ارزشیابی آن است (معلمی، ۱۳۸۹، ۱۸) و پرسش از وجود واقعیت، امکان دستیابی به آن، ارزش آن و... در این علم جای می‌گیرد که هر جریان فرهنگی نیز در این بررسی باید به برخی از سؤالات اساسی معرفت‌شناسی پاسخ دهد (قائمی نیا و موسوی ثمرین، ۱۳۹۰، ۸).

۳- مبانی انسان‌شناسی: انسان‌شناسی ماهیت شناخت انسان در یک مکتب است؛ بدین معنا که نگاه هر مکتب به چستی انسان، ابعاد وجودی، دامنه حیات و زندگانی او است. در انسان‌شناسی به سؤالاتی چون هدف آفرینش، ابعاد وجودی، ارزشهای اخلاقی، مسئول بودن یا نبودن انسان و مانند آنها پاسخ داده می‌شود.

ب) بعد گرایشی: بعد گرایشی هر جریان به متغیرهایی اشاره دارد که جریان‌های فرهنگی با توجه به آنها و چگونگی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هر یک در عمل فرهنگی، نتایج سیاست‌گذاری خود را عرضه می‌کند. لذا این مبانی از یک طرف در ریشه‌های فلسفی و مبانی شناختی پایه دارد و از سوی دیگر پایه و اساس خط مشی‌ها و سیاست‌گذاری‌های هر یک از جریانها است.

سه مؤلفه مهم در بعد گرایشی جریان‌شناسی فرهنگی عبارت است از:

۱- شریعت و معنویت: با توجه به نقش تاریخی دین در ایران و جایگاه آن در ساختار نظام جمهوری اسلامی و توجه به عنصر مذهب در اداره کشور و نیز رویکرد برخی جریان‌های فرهنگی نسبت به دین در حد پاسخگویی به عرصه فردی و معنوی، جریان‌های فرهنگی پاسخهای متفاوت به

1- ontology
2- epistemology

این مناسبات می‌دهند.

۲- اسلامیت و ایرانیت: از مسائل اساسی تعیین‌کننده در فراروی جریانهای فرهنگی ایران، مناسبات آنان با مسئله اسلامیت و ایرانیت است که برآیند رویارویی آنان با این دو مؤلفه، در طیفی از پذیرش، خودداری و تعامل آنها قابل توجه است.

۳- مدرنیته و سنت: با توجه به دغدغه گروه‌ها و جریانهای فرهنگی نسبت به رابطه مدرنیته و سنت در پرسش نسبت خود با آنها، آنان را در وضعیتهای متفاوتی قرار می‌دهد.

ج) بعد کنشی: در این بخش، راهکار هر جریان نسبت به مسائل و مشکلات مختلف فرهنگی عرضه می‌شود که مبنای رفتاری آن جریان است. با توجه به اینکه هر جریان فکری اهداف آرمانی خاصی دارد باید راهکارهاشان برای دستیابی به آن اهداف بررسی شود. معمولاً هر جریان از پشت عینک خود، مسائل فرهنگی را تحلیل می‌کند و سیاستهای عرضه شده در بعد کنشی معطوف به همان جریان است.

سه مؤلفه مهم در بعد کنشی جریان‌شناسی فرهنگی عبارت است از:

۱- تهاجم فرهنگی: تهاجم فرهنگی، فرایند نظام‌مند و هدف‌دار تزریق ویروسهای فکری، اخلاقی و رفتاری از سوی نظام سلطه است که به منظور آلوده‌سازی، ایجاد مسمومیت و منفعل‌سازی جامعه مورد نظر و در نهایت ایجاد، تداوم و گسترش سلطه فرهنگی در گروه یا جامعه هدف صورت می‌گیرد (قربانی گلشن آباد، ۱۳۹۰، ۱۴).

۲- غیریت‌سازی: در تعریفی هویت را به معنای وجه تمایز اعصابی هر جامعه از دیگران و تفکیک‌کننده «من» و «ما» از «غیر» و «دیگری» به کار برده‌اند. در این دسته از تعاریف، خودآگاهی از «هستی ما» با آگاهی از «هستی دیگران» همراه است و «ما» و «دیگران» دو روی یک سکه به‌شمار می‌روند که بودن یکی، بدون دیگری معنا ندارد. نکته اساسی در اینجا به رابطه و نسبت میان ما و آنها، درون گروه و برون گروه یا خودی و غریبه مربوط می‌شود؛ در این معنا هویت جمعی زمانی قابل تشخیص است که به مفهوم دیگری و آنها بازگردد؛ بنابراین مفهوم غیریت در بحث هویت ملی، زمینه‌هایی را فراهم می‌سازد تا افراد، نمادهای برجسته‌کننده هویت ملی را با حساسیت بیشتری دنبال کنند (میرمحمدی، ۱۳۸۳، ۸).

۳- نظام جمهوری اسلامی: نظامی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی با الگوی نوین جمهوری اسلامی شکل گرفت. از ویژگی‌های این نظام، پذیرش جمهوریت به عنوان سمبل رأی مردم و نیز اسلامیت به عنوان نماد ارزش‌های اسلامی در ایران است که از شاخص‌های اسلامیت نظام، نهادینه شدن جایگاه ولایت امر در ساختار قانون اساسی به عنوان بالاترین مقام رسمی کشور است. در طول بیش از سه دهه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای عهده‌دار جایگاه ولایت فقیه در ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند.

۳-۴. تعیین شاخص‌های طراحی مدل جریان‌شناسی فرهنگی در ایران

در تبیین مؤلفه‌های ابعاد سه‌گانه هویت فرهنگی، ۹ مؤلفه تعیین، و بر اساس آن ۳۶ شاخص پدیدار شد. در تعیین ابعاد هویت فرهنگی با بهره‌گیری از الگوی قائمی‌نیا و موسوی‌ثمرین (۱۳۹۰) اقدام شد و برای مؤلفه‌ها و شاخص‌های بعد گرایشی تا حدودی از الگوی خسروپناه، عبدالحسین‌الف (۱۳۸۹) استفاده شد. در بقیه مؤلفه‌ها و شاخص‌ها بر اساس تجربیات عملی و جمع‌بندی نظر حضوری برخی پژوهشگران جریان‌شناسی در کشور اقدام شد. بدین ترتیب شاخص‌های هویت فرهنگی به عنوان متغیر اصلی هویت فرهنگی است. متغیرهای مدل جریان‌شناسی فرهنگی ایران به صورت کامل در جدول (۶) ترسیم شده است:

جدول ۶. ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخصهای مدل جریان‌شناسی فرهنگی ایران، شعبانی

ردیف	مفهوم (متغیر)	ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
۱	هویت فرهنگی	بینشی	۱- هستی	۱- توحید و خدا محوری
			شناختی	۲- هدفداری هستی
				۳- خالق و آفریننده هستی
				۴- پیوند بین دین و دنیا
			۲- معرفت	۱- عینی‌گرایی و ذهنی‌گرایی
			شناختی	۲- ارزش و واقعیت
				۳- بهره‌گیری از منابع شناخت
				۴- نگرش به باید و نباید یا هست و نیست
			۳- انسان	۱- هدف آفرینش انسان
			شناختی	۲- دو بعدی بودن انسان: ابعاد ظاهری و معنوی انسان
				۳- خدا مالکی و خلیفه بودن انسان
				۴- ارزش‌های اخلاقی
۲	میراث فرهنگی	گریشی	۱- شریعت	۱- دغدغه شریعت
			و معنویت	۲- دغدغه معنویت
				۳- مبارزه با خرافات و عرفان‌های کاذب
				۴- توسعه ادیان و مذاهب
			۲-	۱- دغدغه اسلامیت
			اسلامیت و	۲- دغدغه ایرانیت
			ایرانیت	۳- نسبت اسلامیت و ایرانیت
				۴- نگاه به تعقل، خرد و فلسفه
			۳- مدرنیته	۱- میراث گذشته اندیشه اسلامی
			و سنت	۲- فلسفه‌های تاثیرگذار غرب
				۳- نوگرایی
				۴- علل انحطاط مسلمین

(ادامه) جدول ۶. ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخصهای مدل جریان‌شناسی فرهنگی ایران، شعبانی

۱-تبادل، تعامل یا تهاجم فرهنگی	۱-تهاجم فرهنگی	کنشی	میراث فرهنگی	۳
۲-جبهه سازماندهی شده دشمن				
۳-جبهه سازماندهی شده خودیها				
۴-پلورالیسم فرهنگی				
۱- غربی	۲-غیریت سازی			
۲- صهیونیستی				
۳-وهابی				
۴-بهایی				
۱-قانون اساسی	۳-نظام جمهوری اسلامی			
۲-ولایت فقیه				
۳-اطاعت از امام				
۴-تبعیت از رهبری				

بحث و نتیجه‌گیری

۱. پاسخ سؤالهای فرعی

۱-۱. پاسخ سؤال فرعی اول: پاسخ سؤال فرعی اول پژوهش در زمینه مهمترین مدل‌های جریان‌شناسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به حدود ۲۰ گونه و مدل جریان‌شناسی در جدولهای (۳) و (۴) ارائه شده است.

۲-۱. پاسخ سؤال فرعی دوم در نقد آثار موجود به بیست اثر جریان‌شناسی از سوی پژوهشگران ایرانی اشاره شده است. مروری بر این پژوهش‌ها (جدول ۵) نشان می‌دهد دو دسته آثار مطرح است: دسته‌ای بر مطالعات علمی پژوهشی مبتنی، و دسته دیگر مطالعات مروری است که هر دسته ابعاد مثبتی دارد و در روشن کردن جنبه‌هایی از جریان‌شناسی در ایران به ما کمک می‌کند.

۳-۱. با توجه به متغیرها، مؤلفه‌ها و شاخصهای مدل جامع جریان‌شناسی فرهنگی پس از انقلاب، پاسخ سؤال فرعی سوم پژوهش در شکل (۶) ارائه شده است.

۲. پاسخ سؤال اصلی پژوهش

مدل جامع جریان‌شناسی فرهنگی پس از پیروزی انقلاب اسلامی کدام است؟
برای شناخت جریان‌های فرهنگی پس از انقلاب اسلامی، لزوماً باید مدلی طراحی شود که بر پایه آن بتوان ضمن شناسایی و رصد جریان‌های فرهنگی به توصیف و تبیین آنها اقدام کرد. این مدل باید جامع، مرتبط، منسجم و موجه و سازگار با رویکرد فرهنگی و منطبق با مبانی، اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی باشد. بر این اساس در طراحی مدل، مفهوم «هویت فرهنگی» به دلایلی مانند: برخورداری از ویژگی رویکرد فرهنگی، ملاک هویتی وحدت در کثرت فرهنگی و سازگار با هویت فرهنگی ایرانیان (عنصر خودی در هویت فرهنگی)، ملاک تمایز بخش و مقسم جریان‌های فرهنگی کشور (عنصر غیریت در هویت فرهنگی) منطبق و سازگار با مبانی، اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی انتخاب شد.

برای مدل، سه متغیر «بینشی، گرایشی، و کنشی» به عنوان سه بعد اصلی این تحقیق مبنا قرار گرفته است. در ترسیم مؤلفه‌های ابعاد سه گانه «بینشی، گرایشی، و کنشی» هویت فرهنگی نه مؤلفه شامل هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی (مؤلفه‌های بینشی) و شریعت و معنویت؛ اسلامیت و ایرانیت؛ مدرنیته و سنت (مؤلفه‌های گرایشی) تهاجم فرهنگی؛ غیریت‌سازی؛ نظام جمهوری اسلامی (مؤلفه‌های کنشی) مشخص شد. شاخص‌های چهارگانه برای هر یک از مؤلفه‌های دوازده گانه در مجموع سی و شش شاخص پدیدار کرد که بر اساس تجربیات عملی، جمع‌بندی از تحقیقات انجام شده و نظر خبرگان مرتبط جمع‌آوری شد که همه اجزای مدل را با ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخصها در یک مجموعه نظام مند به عنوان حلقه‌های تشکیل دهنده، درهم تنیده و به هم پیوسته جریان‌شناسی فرهنگی در ایران قرار داد. مدل نهایی پژوهش در شکل (۵) ارائه شده است:

فهرست منابع

۱. ایازی، سید محمد (۱۳۷۸). *شناخت نامه تفاسیر*. قم: کتاب مبین.
۲. بومر فرانکلین، لوفان (۱۳۸۰). *جریان‌های بزرگ در تاریخ اندیشه غربی*. ترجمه حسین بشیریه. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۳. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹). *جریان‌شناسی سیاسی*. تهران: معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۴. حجاری طاهری، علی اکبر. «جریان‌های سیاسی ایران». *مجله یاد*. ویژه نامه احزاب سیاسی در ایران.
۵. حجاریان، سعید (۱۳۸۰). *از شاهد قدسی تا شاهد بازاری*. تهران: طرح نو.
۶. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۱). *مصاحبه*. سایت تحلیلی جریان‌شناسی دیدبان.
۷. _____ الف (۱۳۸۹). *جریان‌شناسی فکری ایران معاصر*. قم: تعلیم و تربیت اسلامی.
۸. _____ ب (۱۳۸۹). *جریان‌شناسی ضد فرهنگ‌ها*. قم: تعلیم و تربیت اسلامی.
۹. دارابی، علی (۱۳۸۸). *جریان‌شناسی سیاسی در ایران*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۴). *نعت‌نامه*. ج ۲۱. تهران: امیرکبیر.
۱۱. رهدار، احمد (۱۳۸۶). «گفتارهای پریشان». *فصلنامه ۱۵ خرداد*. دوره سوم. س چهارم. ش ۱۲.
۱۲. _____ (۱۳۹۱). «تأملاتی در نسبت ورزش مدرن و اخلاق». *ماهنامه فرهنگ عمومی*. س دوم. ش ۱۳. شهریور.
۱۳. سبحانی، محمدتقی (۱۳۷۵). *فصلنامه نقد و نظر*. ش ۴۳-۴۴.
۱۴. سید مصطفی میرسلیم (۱۳۸۴) (زیر نظر). *جریان‌شناسی فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی ایران*. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۱۵. شعبانی سارویی، رمضان (۱۳۸۶). جریان‌شناسی سیاسی- فرهنگی ایران. سازمان بسیج دانشجویی.
۱۶. _____ (۱۳۸۹). جریان‌شناسی سیاسی فرهنگی ایران. قم: اعتدال.
۱۷. طالقانی، سید علی (۱۳۸۴). «خبرگزاری فارس یکشنبه ۹ بهمن». به نقل از مجله حوزه، ش ۱۱۹.
۱۸. عمید، حسن (۱۳۵۷). فرهنگ فارسی عمید. ج ۱۲. تهران: امیرکبیر.
۱۹. غمامی، سید محمدعلی (۱۳۹۱). «روش‌شناسی جریان‌شناسی». ویژه‌نامه الکترونیکی جریان‌شناسی و بایسته‌های مفهومی و روشی. پایگاه تبیینی و تحلیلی جریان‌شناسی دیدبان.
۲۰. فراتی، عبدالوهاب (۱۳۸۹). روحانیت و تجدد با تأکید بر جریانهای فکری سیاسی حوزه علمیه قم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۱. قائمی‌نیا، علی‌اصغر و سید سعید موسوی ثمرین (۱۳۹۰). شناخت جریانهای فعال اقتصادی در ایران. تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های سازمان بسیج دانشجویی.
۲۲. قوچانی، محمد (۱۳۷۹). یقه سفیدها جامعه‌شناسی نهادهای مدنی در ایران امروز. انتشارات نقش و نگار.
۲۳. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی. منوچهر صبوری تهران: نشر نی.
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱. قم: صدرا.
۲۵. مظفری، آیت (۱۳۸۵). جریان‌شناسی سیاسی ایران معاصر. قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی قم.